



خبر

و تبصره

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التمریر

سرو صداهای ترور روزنامه‌نگار، شیرین ابوعاقله

(ترجمه)

خبر:

رسانه‌های عربی و بین‌المللی خبر کشته شدن شیرین ابوعاقله، خبرنگار الجزیره و مجروح شدن همکارش، علی السمودی از ناحیه کمر هنگام پوشش تهاجم نیروهای جنایتکار یهودی به اردوگاه جنین در فلسطین را در پی تیراندازی سربازان یهودی منتشر کردند.

در مصاحبه‌های تلویزیونی، شاهدان عینی، تک تیراندازان یهودی را متهم کردند که علی رغم آگاهی از وابستگی آن‌ها به رسانه‌ها، عمداً کارکنان رسانه‌ها را با خون‌سردی هدف قرار داده‌اند. احزاب مختلف قصد خود را برای تشکیل پرونده علیه ارتش و دولت یهود اعلام کردند.

سیکولارها در شبکه‌های اجتماعی گردابی از بحث و جدل به راه انداختند و باوجود مسیحی بودن شیرین ابوعاقله او را شهید خطاب کردند. از سوی دیگر، بسیاری خواستار کنار گذاشتن بحث در این زمینه و صرف تمرکز بر افشای جرایم نهاد جنایتکار شدند.

تبصره:

در این خصوص مطالب مهمی را مطرح می‌کنیم که نباید ذهن یک مسلمان از آن غافل باشد:

اول: خون یک روزنامه‌نگار مشهور از خون یک مرد عام و ناشناخته رنگین‌تر نیست. وجود اختلاف در واکنش رسانه‌ها و روشنفکران جای تأسف دارد. چنانچه واکنش به کشتار جوانان و زنان در فلسطین، شام، یمن و دیگر سرزمین‌های اسلامی

بسیار سرد و بی توجه است. فقط تعداد و ارقام قربانیان را بر شمرده، سپس صدای بلند موزیک را پخش می کنند و کاغذ را کنار گذاشته خبرهای اقتصادی و ورزشی و امثال این ها را می خوانند. اما وقتی یک فرد یا خبر نگار مشهور کشته شود، سروصداهایی به راه می اندازند که باعث ایجاد تصور بی ارزش بودن خون بی گناهان نزد مردم می شود و اهمیت خون هرکس را به اندازه اهمیت وظیفه و کار آن قرار داده و آنچه در رسانه ها و محافل سیاسی نشان می دهد، باعث دور شدن آگاهی عامه مردم از مفهوم اسلامی و شدت حرمت ریختن خون بی گناه شده است و لو که صاحب آن هرکه باشد.

دوم: وظیفه ملت در قبال خون های بی گناه و حرامی که دشمنان ملت ما در سرزمین ما ریخته اند؛ قصاص، جنگ و جهاد با کسانی است که به مقدسات ما توهین می کنند، که در رأس آن ها رژیم یهود قرار دارد. مسئولیت حفاظت از غیر مسلمانانی که تحت ذمه امت رسول صلی الله علیه وسلم هستند، بر عهده ما مسلمانان است.

اگر ناکامی ما در اتحاد کلمه، نیرو و ارتش مان بر سر اسلام و دولت آن نبود، در برابر هر قربانی خویش که به دست ترسوترین مردم، یعنی یهودیان رخ می دهد، مات و مبهوت نمی ایستادیم. مسئولیت ما این نیست که قضایای خویش را به محاکم غرب ببریم، بلکه اینست که این رژیم را از بیخ و بن برکنیم. بردن قضایا به محاکم غرب مثل پناه بردن از گرمی به آتش است که در برخورد با مسائل ما، خون ما و اهل ذمه از معیارهای دوگانه استفاده می کند و با وقاحت تمام در برخورد با پرونده اوکراینی در تمام جنبه های آن دو میلیارد مسلمان را تحریک می کند.

سوم: عقیده و احکام اسلام هرگز قابل سازش نیست؛ علی رغم تلاش سیکولرها برای تضعیف اعتقادات و احکام دین ما و با استفاده از احساسات و عواطف ما می خواهند مفاهیم سیکولاریستی شان را بر مفاهیم و احکام اسلامی مان ترجیح دهیم. برای مسلمان جایز نیست که بخاطر دین الله احساس ملامتی کند و چیزی از دین خود را برای دلجویی از کسانی که از آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده بیزاری می جویند، بفروشد و برای کشته شده گان غیر مسلمانان دعای رحمت نماید. آن ها آنگونه که ادعا می کنند، نه به دنبال ترویج "وحدت ملی" است و نه هم به دنبال بستن صفوف در برابر دشمنان؛ بلکه هدف آن ها ضعیف کردن احکام و لاء و براء در اسلام بوده و می خواهد مسلمانان را از استناد به ایمان از جمله ایمان به آخرت یا معیار قرار دادن آن برای گفتار و کردار منصرف کند. چون رحمت بر اموات در اسلام معطوف به رحمت خاصی است که الله سبحانه و تعالی برای مؤمنان فراهم کرده است که همان مغفرت و ورود به بهشت است. برای مسلمان جایز نیست به غیر مسلمانانی که از دنیا رفته است، دعای رحمت کند. این بدان معنا نیست که او از همسایه خود دلجویی نمی کند یا ویژگی ها و رفتارهای خوب او را ذکر نمی کند. و این به معنی تبرئه از خون بی گناه او و یا ترک قصاص برای او نیست و این ربطی به وحدت اوضاع در مواجهه با قاتلان جنایتکار ندارد؛ بلکه واقعیت ثابت کرده که غیر مسلمانان اهمیتی نمی دهند که مسلمانان برای اموات شان طلب رحمت می کنند یا نه. هم چنان مسلمانان هم اهمیت نمی دهند که غیر مسلمان برای اموات شان طلب رحمت می کنند یا نه. این موضوع در طول تاریخ برای مسلمانان و دیگران مشکلی ایجاد نکرده، اما سکولارها آن را به عنوان توهین به اسلام و وسوسه ای بین مسلمانان و دیگران مطرح می کنند تا اعتقادشان، یعنی جدایی دین از زندگی را تبلیغ کند.

اما شهادت در اسلام، مقام مسلمانانی است که در راه اطاعت الله سبحانه و تعالی کشته شده باشند؛ پس ما لازم می دانیم همان طوری که است باشد و ما آن را به قوانین ملی سیکولارهایی که هیچ چیزی از واقعیت آن را ندارند، مبدل نمی کنیم. و اما دعوت به ترک بیان حکم شرعی در این مورد به بهانه وحدت صف، ابتدا متوجه سکولارهایی است که از عواطف و غم و اندوه مردم برای هجوم حقیرانه به اصول و احکام اسلام سوء استفاده می کنند. به نظر می رسد این دعوت مشتاق تمرکز نیزه ها بر

روی سینه قاتلان است. اما ناخواسته از ما می‌خواهد که خود را در معرض جراحات چاقوی کشنده‌تری نسبت به گلوله‌های متجاوزان قرار دهیم و در را برای سکولارها باز گذاشت تا مفاهیم خود را به یکی از مبانی دین تبدیل کنند.

از الله متعال می‌خواهیم که ما را در امور دین‌مان بصیرت دهد و ما را در حمایت از دین خود و حمایت از ضعیفان یاری فرماید!

نویسند: عدنان مزiane

عضو دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

تاریخ را هم ذکر کنید بعد ازین.